

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من میاد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به نشمن دهیم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

ادبي - فرهنگي

تيمورشاه تيموري

مُخَمَّسٌ بِرْ غَزْلٌ حَافِظٌ

دلبری عشه گری آفت جان ما را بس
کلعتزاری ز کستان جهان ما را بس
زین چمن سایه آن سرو روان ما را بس
عشق بی سوز دل و نساله و آدورم باد
من و همسحبتی اهل ریا دورم باد
از گرانان جهان رطل گران ما را بس
رندي و می خوری از روز ازل می بخشد
قصر فردوس به پاداش عمل می بخشد
ما که رندیم و گدا دیگر مغان ما را بس
همچو قارون ز طمع حشمت و دولت طلبیم
یار با ماست چه حاجت که زیادت طلبیم
دولت صحبت آن مؤنس جان ما را بس
بیش ازین بهر خدا نامه زشنتم مفرست
از در خویش خدارا به بهشتمن مفرست
که سر کوی تو از کون و مکان ما را بس
ساقی باز آکه می کهنه به ساغر باقیست
حافظ از مشرب قسمت گله ناناصافیست
طبع چون آب و غزلهای روان ما را بس

صنم لاله رخی پسته دهان ما را بس
سر پرحداده در سیر زمان ما را بس
زین چمن سایه آن سرو روان ما را بس
یار پرددغه و جسور و جفادورم باد
در قیامت رق نامه سیا دورم باد
از گرانان جهان رطل گران ما را بس
ثروت دهه ر به مردان دغل می بخشد
چونکه هر جنس و متعاعی به بدل می بخشد
ما که رندیم و گدا دیگر مغان ما را بس
ما که فردوس بربن از ره طاعت طلبیم
بهتر آنست که از دوست عنایت طلبیم
دولت صحبت آن مؤنس جان ما را بس
جز بهمراهی آن حورسرشتم مفرست
کافر کوی تو هستم به کشنتم مفرست
که سر کوی تو از کون و مکان ما را بس
ساقی باز آکه می کهنه به ساغر باقیست
تیمور از طبع تو این شعر چو گوهر باقیست
طبع چون آب و غزلهای روان ما را بس

(المان - ۱۰ آگوست ۲۰۱۱)